

ناصر بن عبدالله بن علی القفاری نویسنده وهابی و ضدشیعه اهل عربستان و از مروجان اندیشه‌های ابن تیمیه است. قفاری، شیعیان را به جهت باورهایشان کافر و مشرک و دارای احکام مشرکان همچون نجاست و جواز قتل می‌داند. گفته شده تمام تلاش او در راستای نقد شیعه و اثبات کفر و شرک شیعیان است. برخی، کتاب «اصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشرية؛ عرض و نقد» قفاری را مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتابی دانسته‌اند که بر ضد شیعه نوشته شده است.

ناصر القفاری



اطلاعات فردی

ناصر بن عبدالله بن علی
القفاری

نام کامل

اطلاعات علمی

محمد رشاد سالم

استادان

دانشگاه محمد بن سعود

محل تحصیل

«اصول مذهب الشيعة
الامامية الاثني عشرية؛
عرض و نقد» • «مسأله
التقريب بين اهل السنة
و الشيعة» • «موقف
الشيعة المعاصرين من
القرآن الكريم»

تألیفات

فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی

مخالفت و دشمنی با
شیعه

شناخته شده برای

شبهه: یکی از شبهاتی که آقای قفاری مطرح می‌کنند این است که چرا،

ابو محمد از دیدار با نرجس در حال شرک اقطاع کرده است، در حالی که سیده النساء

و سریم و کنیزان در حالی که مشرک بود به دیدارش رفتند.

نقد و بررسی

در این که یک مسلمان می‌تواند در عالم بیداری به دیدار مشرکی برود

و با او گفت‌وگو و داد و ستد کند، تردید نیست. گمان نمی‌کنم این مطلب

حتی بر جاهلی پوشیده باشد، چه رسد به عالمان شیعه که به تعبیر آقای

قفاری این روایت را جعل کرده‌اند. زیرا در قرآن کریم به صورت مکرر

از گفت‌وگو و دعوت و محابه پیامبران الهی، به ویژه پیامبر گرامی

اسلام با مشرکان سخن گفته شده است. اگر در این روایت از امتناع امام -

حسن (ع) برای دیدار با حضرت نرجس به دلیل مشرک بودن ایشان سخن

به میان می‌آید، به این دلیل است که از محشق وافر حضرت نرجس به امام حسن

دوره برده شود و انگیزه ایشان برای اختیار اسلام افزایش پیدا کند

این شیوه‌هاست که در میان عقلا مرسوم است و خداوند نیز، آن را در قرآن کریم به کار برده است. به دلیل علاقه انسان‌ها به لذت، راحتی و -
نهایت‌ها، مادر و معنوس، خداوند بارداران و عده نیت‌ها، در پیشانی، مردم را به ایمان و پذیرش اسلام تشویق کرده است.

تشبیه :

باردار شدن نوحین عجیب و غریب است. زیرا نشانه بارداران در او ظاهراً
نشود. با این که حکیمه فائون دختر محمد صم چنان که شیعه مدعی است، -
در مورد جست و جوی و صفت او برآمد. به سوس او رفت و چنان که در روایات نشان
آمده او را دقیقاً وارسی کرد. ولی نشانه‌اش از بارداران در او ندید. پس نزد حسن بر پشت و
سایر ابرایش او بیان کرد، ولی او تأکید کرد که چلی وجود دارد و به حکیمه گفت:
چون نجر شد، نشانه بارداران، برایت روشن می‌شود. و عجیب‌تر این که حتی
خود مادر نوزاد نیز در شب ولادت از باردار بودن خود اطلاع نداشت و به حکیمه
گفت بانوس من، در فورم نشانه‌اش از بارداران نمی‌بینم. احتمالاً نفس ظاهراً

آثار بارداران، ترنند یا کوششی است بران گریز از این واقعیت که حتی شیعه
نیز آن را پذیرفته است که حقیقت برادر حسن عسکری همسران و کنیزان حسن را پس
از وفاتش بران استیفاء از بارداران ~~حسن~~ کرد تا این که شود عاقبتی و سلطان -
ثابت شد که آن ها باردار نیستند و پس از آن ارت حسن تقسیم شد.

نقد و بررسی

در پاسخ به این اشکال باید گفت: اگر شیعه بر این باور است که بارداران حضرت
زحرا به صورت غیر طبیعی و اعجاز گونه انجام گرفت. زیرا حکومت وقت
به وسیله قاتله نما، و صفت بارداران همسران و کنیزان امام حسن را کنترل می کرد
تا در صورت تولد فرزند پسر، فوراً او را به قتل برساند. طبیعی است که محافظت
از جان امام مهدی (ع) که آخرین ذخیره خداوند است، نیازمند تحقق چنین اعجازی
است. و این پدیده با وجود غیرعادی و اعجاب انگیز بودن آن، نه تنها از نظر
عقلی هیچ مخدور ندارد، بلکه قرآن کریم به اشاره از تحقق نمونه مشابه آن
در گذشته تاریخ سخن گفته است و جز منکران متافیزیکی کسی آن را انکار

نگرده است. در سوره قصص در این باره چنین می‌خوانیم:

لا فرعون در سرزمین مصر سر برافراشت و مردگان را، طبقه طبقه ساخت.
طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت، پسرانشان را سر می‌برد و زنانشان را
برای بهره‌کشی زنده برجای می‌گذاشت، که وی از عنادکاران بودم قصص آیه ۴
ابن کثیر از مفسران اهل سنت، در توضیح این آیه چنین نوشته است:

برای فرعون، مأموران و قابل‌هایی بودند زنان را کترال می‌کردند و آرزوی
بارداری را می‌یافتند، نامش را ثبت می‌کردند. چون مادر موسی، به موسی باردار
شد، آن را از همه مخفی نگه داشت. -- شکمش بر نیامد و رنگش تغییر نکرد و
شیرش آشکار نشد و از قابل‌ها متعصب نشدند.

سهمان، دیگر مفسر سنی می‌نویسد: چون مادر موسی باردار شد، آثار -

بارداری آن چنان که بر زنان باردار ظاهر می‌شود بر او هویدا نشد.

نمونه مشابه دیگر، حضرت ابراهیم (ع) است که به گفته برخی از دانشمندان

اهل سنت همچون طبری و ابن اثیر به شکل غیر طبیعی آثار حمل بر

مادر آن حضرت ظاهر نشد . بر اساس آن چه گذشت ، روشن شد که -
همی توان تولد امام مهردن (عج) را به بهانه غیر عادی و غریب بودن آن انکار
کرد . زیرا دانشمندان بزرگ سن مذهب ، تحقق نمونه های مشابه آن را
در گذشته تاریخ پذیرفته اند و اگر دیده ای یک یا چند بار اتفاق افتاده -
باشد ، می تواند برای سوتبهاس دیگر تکرار شود ؛ به تعبیر دیگر ، با تأمل در
حربان تولد حضرت ابراهیم و حضرت موسی و معایسه آن با حربان
تولد امام مهردن (عج) روشن می شود که این یک سنت الهی است که وقتی برای
هدایت مردم و اتمام حجت ، فرستان حجت ضروری باشد ، خداوند متعال
به هر صورت به این مهم جا به عمل خواهد پوساند . وقتی شرایط مهیا باشد
و حجت الهی بدون دخالت نیروها فوق طبیعی می تواند پا به عرصه وجود
بگذارد ، نیازی به دخالت نیروها عینی نیست . ولی زمانی که ستمگران دست
به دست هم می دهند تا از تولد حجت فرا جلو گیرند ، به اقتضای ضرورت
حجت ، چاره ای جز این نیست که با اراده ویژه خداوندی و به کمک عوامل فوق -

طبیعی، شرایط لازم برای وجود حجت مهیا شود. تولد حضرت موسی (ع)

یکی از صدق‌هاست این سنت الهی بود و تولد امام مهدی (عج) هم‌زمان دیگر آن

است. نکته دیگر اینکه، آثار غفاری مدعی است، شیعیان پذیرفته‌اند که جعفر -

همسران و کنیزان امام حسن (ع) را حبس کرد و پس از کنترل آن‌ها به وسیله جعفر

از بارداران حضرت زینب اطّلاعی حاصل نشد. با این وجود، شیعیان، مدعی

تولد امام مهدی هستند. بنابراین، چاره‌ای نداشتند جز این که مدعی شوند

نشانه‌های حمل در مادر مهدی آشکار نشد.

پایان :

بر اساس بودن این تحلیل به این دلیل است که اساساً امام مهدی (عج) در سال -

۲۵۵ قمری متولد شد. از این رو، آشکار نشدن نشانه‌های بارداران در حضرت زینب

مربوط به این مقطع زمانی است. در حالی که جعفر در سال ۲۶۰ قمری و پس از -

شهادت امام حسن (ع)، همسران و کنیزان آن حضرت را حبس کرد و در آن‌ها

اثری از حمل ثابت نشد. به تعبیر دیگر، آن اثر حملی که پس از حبس نزد جعفر

وسلطان و قاضی ثابت نشد، پنج سال پس از تولد امام مهدی (عج) بوده
است و آن حمل که شیعه مدعی است، آثارش آشکار نشد مربوط به پنج سال
پیش از حبس خانواره امام حسن (ع) به وسیله جعفر بوده است. با این وجود،
چگونه می توان ادعای فقدان آثار حمل در سال ۲۵۵ قمری را به انگیزه فقدان آثار
حمل در سال ۲۶۰ قمری دانست. این معادله است که حل آن فقط از عرصه آفتاب
قمار بر می آید.

تنبیه:
تنبیه دیگر آنست که آفتاب قمار مطرح می کند این است که حکمیه قانون در
یک روایت امام مهدی (عج) را سوس می نامد و در بار دیگر او را نرجس
می نامد، همچنان که در بعضی از روایات برایش نام های دیگر آورده اند و هر کس هر چه
خواست جعل می کند و شیعه درازده امام در کتاب هایش همه را جمع کرده است.

نقد و بررسی

همچنان که برخی از محققان نوشته اند، در آن زمان تعداد اسامی کمترین،

امری شایع بوده است. زیرا مردم برای خوش آمدگویی کنیزان، آنها را به -

اسامی گوناگون می خواندند و به همین دلیل است که بسیاری از اسامی مادر -

امام مهدی (عج) ، همچون نرحیب ، ریحانه ، سوس و ... - اسامی گل ها

هستند. ما مشابه این گوناگونی اسامی و القاب را در شخصیت های دیگر نیز،

می بینیم. برای نمونه، محدثان اهل سنت، از پیامبر ترا می اسلام، چنین روایت -

کرده اند: « برای من نام های است. من محمد ، من احمد ، من حامد هستم

که خوانند به وسیله من کفر را محو می کند. من حاشرم که مردم پس از من محسور می شوند

من کس هستم که پس از او پیامبری نیست. همچنین برای آن حضرت، به استناد

احادیث دیگر، اسامی دیگری بر شمرده اند. البته هیچ محقق تعدد اسامی و القاب آن

حضرت را دلیل بر ساختگی بودن شخصیت آن حضرت نراسته است. با -

توضیحات یاد شده، روشن شد که روایات مربوط به نام مادر امام مهدی (عج)

جعلی هستند و نه کتاب های شیعه جعلیات را گرد آورده اند.

منبع :

آیتین ، حضرت اللہ ، مقالہ علمی پژوهشی نقد و بررسی شبہات

ناصر القفاریں دربارہ اندسے صہدویت ۲ ، شمارہ ۹ - بہار ۱۳۸۸